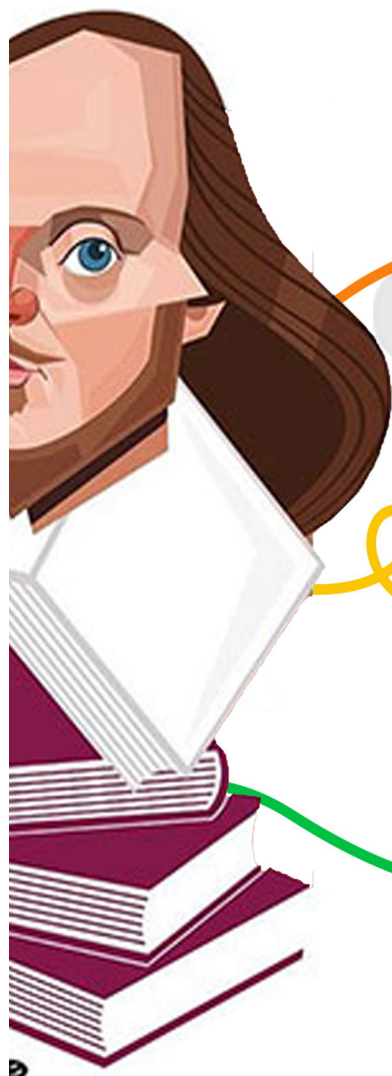


# مجموعه اینفوگرافیک تست مکعب

آرایه های ادبی کنکور

## مجاز

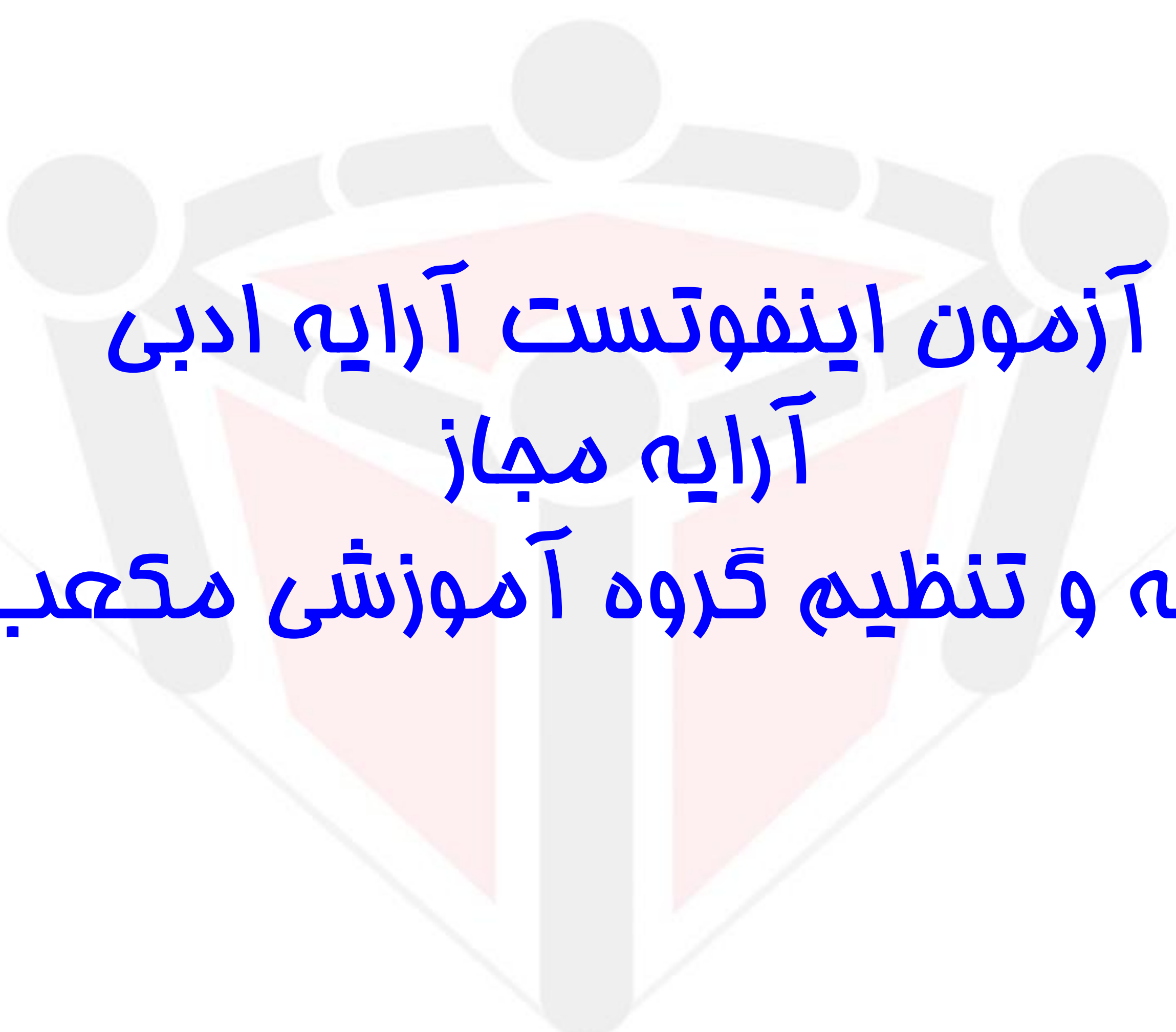



هرگاه نویسنده واژه ای را جای واژه دیگری به کار برد در حالی که بین آن دو وجه شبه نباشد، مجاز پدید می آید.

در مجاز واژه در معنای غیر از معنای حقیقی خود به کار می رود.

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق  
تا بگویم شرح درد اشتیاق  
سینه مجاز از انسان است

تست های مربوطه در پست بعدی گردآوری شده است



آزمون اینفو تست آرایه ادبی  
آرایه مجاز  
تهیه و تنظیم گروه آموزشی مکعب

۱- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... آرایهٔ «مجاز» به کار رفته است.

- (۱) در دشت با سراپم، در بحر یار آبم    چون موج در عذابم، از خوش عنانی خویش  
(۲) از بصیرت نیست گوهر را بدل کردن به خاک    آبروی خویش می‌ریزی برای نان چرا؟  
(۳) ز فکر مرغ چمن نیست غنچه فارغ بال    سری که بر سر زانوست، بی خیالی نیست  
(۴) خوردی دریغ من که اسیرم به دست چرخ    آری به دست دیو دریغ نگین خوری

## ۲- در کدام گزینه آرایه «مجاز» به کار نرفته است؟

- (۱) چندین هزار رهرو دعوی عشق کردند بر خاتم طریقت منصور چون نگین است
- (۲) دست بر سر چون سبو فردا بر آرد سر ز خاک هر که باری برنگیرد ناتوانی را ز دوش
- (۳) شمع بعد از کشتن پروانه قصد خود کند خون ناحق شعله رقصان قاتل می شود
- (۴) دل کز طواف کعبه کویت وقوف یافت از شوق آن حریم ندارد سر حجاز

### ۳- در کدام بیت آرایه مجاز به کار نرفته است؟

- (۱) گر باخردی چرا نپرهیزی ای خواجه از این خورنده اژدرها
- (۲) گذر کرد از آن پس به کشتی بر آب ز کشور به کشور چو آمد به آب
- (۳) چو در جوشن افراسیابش بدید تو گفتی که هوش از تنش بر پرید
- (۴) چو نمود رُخ شاهد آرزو به هم حمله کردن باز از دو سو

۴- کلمه مشخص شده در کدام بیت در معنای مجازی به کار نرفته است؟

۱) خوشا فصل گل و عهد جوانی      خصوص آغاز صبح زندگانی

۲) ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش      پیرانه سر مکن هنری ننگ و نام را

۳) پیش از این کاین سقف سبز و طاق مینا برکشند      منظر چشم را آبروی جانان طاق

بود

۴) ز چشمم لعل رمانی چو می خندند می بارند      ز رویم راز پنهانی چو می بینند

می خوانند

۴- در کدام بیت بیشترین تعداد «تشبیه» و یک «مجاز» به کار رفته است؟

(۱) من که از پسته و بادام تو دورم باری دست بیگانه بدان سیب زنخندان مگذار  
(۲) روی خود را بر کف پایش بمالم همچو سنگ بعد از این با زلفش ار چون شانه  
نتوانم نشست

(۳) زبانش به کردار برنده تیغ چو دریا دل و کف چو بارنده میغ  
(۴) مژه برهم نزنم تا که ز دستم نرود ناز چشم تو به قدر مژه برهم زدنی